شنبه‌ها با شاهنامه فردوسی ۳۰



دکتر یوسف بینا
شاعر و پژوهشگر

بسا رنج‌ها کز جهان دیده‌اند/ز بهر بزرگی پسندیده‌اند/سرانجام بستر جز از خاک نیست/از او بهره زهر است و تریاک نیست/ چو دانی که ایدر نمانی دراز/به تارک چرا برنهی تاج آز؟/تو را زین جهان شادمانی بس است/کجا رنج تو بهر دیگر کس است/ تو رنجی و آسان دگر کس خورد/سوی خاک و تابوت تو ننگرد/بر او نیز شادی سرآید همی/سرش زیر گرد اندرآید همی/از روز گذر کردن اندیشه کن/پرستیدن دادگر پیشه کن

یکی از ویژگی‌های مهم و منحصربه‌فرد شاهنامه سخنان حکیمانه فردوسی است که در ابتدا و میانه و انتهای داستان‌ها آمده است. حکیم توس در سرآغاز داستان‌ها به‌عنوان مقدمه یا در خلال داستان‌ها به‌ویژه آنجا که حادثه عبرت‌آموزی رخ می‌دهد یا انتهای داستان که شاید مخاطب آگاه منتظر است تحلیل اندیشمندانه‌ای از ماجرا بخواند، بیت‌هایی دربردارنده حکمت و اندرز سروده و در ابر روایت حماسه ملی ایران گنجانده است. از این منظر، شاهنامه فردوسی فقط یک اثر داستانی یا حماسی یا تاریخی نیست، بلکه مجموعه‌ای از حکمت و معرفت و خرد ایرانی است که هم در قالب داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی و تاریخی و هم در بیت‌هایی ویژه تدوین و ارائه شده است. بیت‌هایی که در سرآغاز این یادداشت آمده، سخنان ابتدایی فردوسی در داستان «رفتن گیو به ترکستان» است. «گیو» پهلوان بزرگ ایرانی، فرزند ارشد «گودرز» پیر خردمند پهلوانان ایران و بر اساس روایت‌های غیرشاهنامه‌ای داماد «رستم» است که در این داستان به‌دنبال «کیخسرو» به ترکستان می‌رود تا فرزند «سیاوش» را به ایران بیاورد و بر تخت فرمانروایی بنشاند. «کیخسرو» آرمانی‌ترین پادشاه ایران است که از همه شاهان حماسه ملی ایران برتر است و همه ویژگی‌های لازم برای تحقق پادشاهی فرهمند ایرانی را دارد. فردوسی در این بیت‌ها می‌گوید: بزرگان برای رسیدن به بزرگی رنج‌های بسیاری را تحمل کرده‌اند، اما باید بدانی که سرانجام هر کسی مرگ است و بهره دنیا سختی است و سودی برای انسان ندارد، اینک که می‌دانی در این جهان جاودانه نیستی چرا با حرص و آز زندگی می‌کنی؟ تنها چیزی که در این جهان ارزش دارد شادمانی است، زیرا اگر تو رنج بکشی تا ثروتی فراهم کنی در نهایت می‌میری و ثروت تو به‌آسانی نصیب دیگران می‌شود، هرچند آن دیگران نیز سرانجام می‌میرند و به‌زیر خاک می‌روند؛ بنابراین از روز مرگ بترس و درباره آن بیندیش و خداپرستی را پیشه کن. در این بیت‌ها «زهر» نماد «سختی» و «تریاک» به‌معنی «پادزهر» است، «ایدر» یعنی «اینجا»، «تارک» یعنی «سر»، «آز» یعنی «حرص و طمع و زیاده‌خواهی»، «گرد» یعنی «خاک»، «روز گذر کردن» یعنی «روز مرگ»، «اندیشه» نیز علاوه بر معنای مشهور آن به‌معنای «ترس» و «نگرانی» است و «دادگر» به‌معنای «خداوند دادگر» است. نکته مهم این است که بیت‌های حکیمانه فردوسی از جنس فلسفه محض یا معرفت عرفانی یا اندرزهای تصنعی و مرسوم معلمانه نیست، بلکه برمبنای حکمت ایران باستان و درآمیخته با مفاهیم اسلامی و بیش از هر چیزی سرچشمه گرفته از نگاه حکیمانه فردوسی به زندگی است.

معرفی کتاب

کتابی از رحیم پور ازغدی درباره مهدویت که باید خواند

قیام مهدی(عج)، نقطه غلیان تاریخ و شوک بزرگ تاریخی است که علیه ستمگران جهان و برای گشودن راه تنفس بشریت محروم وارد می‌شود و بر اساس روایات، نه فقط راه تنفس، بلکه ایشان راه تعقل را هم برای بشریت، باز می‌کنند. بخش‌های عظیمی از ظرفیت بالقوه تعقل و عقلانیت بشر تا قبل از ظهور ایشان تعطیل است و در روایات رسیده است که وقتی ایشان بیایند عقلانیت، تازه فعلیت پیدا می‌کند و بالفعل می‌شود. یعنی عقل بشر، بعضی از موتورهایش خاموش بوده و به دست ایشان و در عهد ایشان روشن خواهد شد و ایشان مخالفان «عقل» و مخالفان «عدل»، هر دو را، یک جا بر سر جای خود خواهند نشاند. کتاب «ده انقلاب در یک انقلاب» متن سه سخنرانی در سال‌های ۷۹ و ۸۰ در دانشگاه تهران و مشهد است که توسط استاد حسن رحیم‌پور ازغدی ایراد و با توجه بسیاری از دانشجویان روبه‌رو شده است.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس و پراستاری

جالب است بدانیم که موضوع جدانویسی که موضوعی جدید به نظر می‌رسد، در آثار ادبی گذشته هم دیده شده است. زنده‌یاد ایرج افشار در پانوشت کتاب اسکندرنامه متعلق به قرن هفتم هجری، به نمونه‌هایی از جدانویسی اشاره کرده است:

- آرام گاه
- پیش رو
- چاه سار
- دی روز
- دی شب
- راه بر
- ره گذر
- سنگ لاخ
- کشت زار
- ماه تاب
- نام زد
- هم آورد

#زین_قند_پارسی

چهره روز

نادره دوران از دنیا رفت



علیرضا حیدری|چند روز پیش از زنده‌یاد دهخدا نوشتم و امروز ناباورانه باید از بزرگی یاد کنم که کل حرف «خ» لغت‌نامهٔ دهخدا کار او بود. این مرد کم‌نظیر، زنده‌یاد عبدا... انوار بود که روز پنجشنبه رخت از میان ما بربست. هرگاه سخن از نسخهٔ خطی بشود، بی‌گمان نام او در ذهن تداعی می‌شود. او بیش از ۲۰ سال رئیس بخش نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران بود و حدود ۱۰ جلد فهرست نسخه‌های خطی به فارسی و عربی را تدوین کرد. او به‌راستی که چراغ راه پژوهشگران متون گذشته بود. جالب است بدانیم سال‌ها در خانهٔ او جلساتی برگزار می‌شد که به «انواریه» مشهور شده بود و کسانی مانند امیرحسین آریان‌پور، دکتر مهدی محقق، پروفسور فلاطوری، سیدجلال‌الدین آشتیانی، دکتر سیدجعفر شهیدی و سیداحمد فردید در آن شرکت می‌کردند. بسیاری از نسخه‌های مهم حکمت و فلسفهٔ اسلامی را شرح کرد که در این میان شرح آثار فارابی و ابن‌سینا مشهورتر هستند.

تعلیقات او هم براساس «اساس‌الاقتباس» خواجه نصیرالدین توسی مشهور است. او در ترجمه هم دست داشت و آثار مهمی را از فلسفه‌های شرق و غرب ترجمه کرد. فهرست‌نویسی استاد در کتابخانهٔ ملی خدمت بزرگ او به فرهنگ بود. ایشان در زمان ریاست استاد ایرج افشار در کتابخانهٔ ملی، برای تحریر و تنظیم فهرست نسخ خطی دعوت شد. استاد انوار اولین کسی بود که فیش‌ها را مبنای فهرست‌نویسی علمی و فنی کتابخانهٔ ملی قرار داد. استاد انوار نمونه‌های چاپی را در چهار یا پنج نوبت تصحیح و چاپ آن را هم نظارت و پیگیری کرد تا اولین مجلد از فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی به سال ۱۳۴۳ چاپ و منتشر شد. خود او در گفت‌وگویی در اهمیت جایگاه فهرست‌نویسی نسخ خطی کتابخانه ملی ایران در مقایسه با فهرست نویسی کتابخانه‌های مطرح اروپایی از جمله فرانسه و انگلیس گفته بود: «این کاربرگه‌های نسخ خطی در کتابخانه ملی واقعاً در دنیا یگانه است و پیشنهاد هم دادم به نام مرحوم ایرج افشار نام‌گذاری شود، این کاربرگه‌های نسخ خطی را ما در گروهی پنج‌نفره نوشتیم که یک طرف نسخه‌شناسی و یک طرف آن کتاب‌شناسی بود. تا کسی سروکارش با کتب خطی نباشد، نمی‌داند آنچه در اینجا گفته می‌شود چه معنی دارد». البته در کنار آثار فراوان او، از تصحیح جهانگشای نادری هم باید نام برد.

خوشبختانه زنده‌یاد انوار از جمله کسانی بود که در دوران حیاتش بزرگداشتی برای او سوم خردادماه ۱۳۹۶ در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد. «انوارنامه» هم مجموعه مقالاتی است که این انجمن به پاس کوشش‌های فرهنگی این استاد چاپ کرده است.

گفت‌وگو با دکتر امیر الهامی درباره شاهنامه و اهمیت آموزش آن در مدارس

شاهنامه تقویت‌کننده هویت فرهنگی ماست



عکس: هادی مؤدب| شهرآرا

خادم

گفت‌وگو

**«آموزش مفاهیم شاهنامه در مدارس ابتدایی» یا «زنگ شاهنامه‌خوانی»، زنگی بود که پس از پانزده ماه کار بر روی آن و برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان منتخب، در ۱۷ آذر ۱۳۹۸ به صورت نمادین زده شد. در گام نخست این طرح که با همکاری شهرداری مشهد و اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی انجام شده بود، بنا بود دانش‌آموزان مقطع پیش‌دبستانی و کلاس چهارم ابتدایی ۶۴ مدرسه از نواحی مختلف مشهد، این زنگ را داشته باشند، اما کمی پس از نواختن نمادین زنگ، ویروس کرونا شیوع پیدا کرد و نظم و روال زندگی معمولی را به هم زد و گویا اجرای این طرح هم یکی از تلفات این ویروس بود، البته آن را به تعویق انداخته است و قرار است از ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ به طور جد پیگیری و اجرا شود. این طرح نشانه‌ای بود و هست از درک اهمیت شاهنامه و آموزش آن در مدارس. افزون بر این، اهمیت پرداختن به شاهنامه و میدان دادن به قهرمانان آن مسئله‌ای است که درباره آن با دکتر امیر الهامی گفت‌وگو کرده‌ایم. او معلمی است که طی ۲۲ سال سابقه کاری خود، هم در مراکز پرورش استعدادهای درخشان در تهران و مشهد تدریس کرده است و هم در مناطق محروم. قدمت هم‌نشینی او با شاهنامه بیش از عمر معلمی‌اش است. به گفته خودش در سال ۱۳۸۳ نخستین کسی بوده که شاهنامه فردوسی را در ۱۰۰ قسمت در شبکه آموزش برای مردم خوانده است. او همچنین سرگروه آموزش ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه خیام است و سابقه تدریس در دانشگاه فردوسی را هم دارد. این شب‌زنده‌داری با فردوسی و نظر در احوال هزاران دانش‌آموز در چند نسل، دلیلی بود که از او درباره وضعیت شاهنامه در مدارس، مسئله هویت و شاهنامه و بهترین شیوه ارائه آن به کودکان بپرسیم. الهامی باورمند است که اگر شاهنامه به شیوه‌ای جذاب و متناسب یا «بسته‌بندی» خوب ارائه شود، هم دانش‌آموز نسل خردگرای امروز برایش آغوش باز می‌کند و هم زورقی است در این اقیانوس مواج اطلاعات در عصر کنونی.

دکتر محمّد جعفر یاحقّی زنگ شاهنامه را به صورت نمادین در سال ۱۳۹۸ زدند و قرار بود در این طرح که با همکاری آموزش و پرورش و شهرداری مشهد به نتیجه رسیده بود، ۶۴ مدرسه از نواحی مختلف مشهد این زنگ را داشته باشند. زنگ شاهنامه‌خوانی به کجا رسید؟

اختلاف نظرهایی درباره تاریخ اجرای این طرح وجود داشت؛ اما توافق شده است که این طرح ۲۵ اردیبهشت‌ماه، یعنی روز بزرگداشت فردوسی، اجرا شود. دلیل اجرا نشدن این طرح، شیوع کرونا در سال‌های گذشته بود که کلاس‌ها به صورت حضوری برگزار نمی‌شد؛ اما امسال که کلاس‌ها به طور جدی و کاملا حضوری برگزار می‌شود، این طرح نیز از ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ به‌طور قطع اجرا خواهد شد.

شما سال‌ها معلمی کرده‌اید و از سوی دیگر با شاهنامه هم مأنوس هستید. چگونه می‌توان دانش‌آموزان و کودکان را با شاهنامه آشنا و به آن علاقه‌مند کرد؟

شاهنامه از دو سو برای مدارس اهمیت دارد؛ یک سو، بحث گسترش واژگان در ذهن مخاطب کودک و نوجوان است. یکی از مشکلات بزرگی که امروز دانش‌آموزان با آن مواجه هستند، بحث کم‌دامنه بودن واژگان در ذهن آن‌هاست.

کمیت و کیفیت واژگان در ذهن دانش‌آموزان، بسیار نابسامان و پایین‌تر از حد نیاز و سن و تحصیلات آن‌هاست؛ بنابراین اگر ضرورت شاهنامه فردوسی به عنوان منبعی که دارای واژگان اصیل پارسی و کارآمد در ذهن دانش‌آموزان است، اثبات شود، آن وقت می‌توان با این رویکرد، آن‌ها را با این اثر ارزشمند آشنا کرد.

آشنا کردن دانش‌آموزان با شاهنامه از دو راه می‌تواند انجام شود، یک، انتخاب متون متناسب با ذهن و زمان کودکان و نوجوانان امروز است. بعضی داستان‌های شاهنامه ممکن است از نظر محتوا یا دایره واژگانی، متناسب با زمانه دانش‌آموزان امروز یا ذهنیت واژگانی آن‌ها نباشد. داستان‌های زیادی در شاهنامه، متناسب با ذهنیت آن‌ها وجود دارد که باید آن‌ها را با دانش و آگاهی گزینش کرد. دو، گزینش ابیاتی که در آن محتوای الهی و نیایش هست، راهکار مناسبی است که دانش‌آموزان شاهنامه را به عنوان متنی که دارای رویکردهای خداشناسی و خداباوری هست، بخوانند.

رستم، ابَر قهرمان شاهنامه، حتی در میانه نبرد به درگاه خداوند نیایش و ستایش می‌کند و از او یاری می‌خواهد. همچنین بیت‌های زیادی در شاهنامه وجود دارد که زیبا و آموزنده و متناسب با زندگی روزانه ماست. بیت‌هایی که دغدغه زندگی انسان امروز را در خود دارد.

باید در نظر داشته باشیم که شاهنامه کتابی است که تاریخ زندگی مردم است. به قول دکتر اشرف‌زاده دو کتاب در ادبیات فارسی منعکس‌کننده زندگی مردم است، نه زندگی دربار؛ تاریخ بیهقی و شاهنامه فردوسی. شاهنامه به عنوان کتابی که روایت زندگی مردم است و همه مردم در کنار درباریان هستند، می‌تواند دغدغه‌های مردم را در خود جای دهد که این کار را هم کرده است.

از این دو مجرا می‌شود شاهنامه را وارد جلوه‌های آموزشی کرد. ما در دوره متوسّطه اول و دوم در هر کتاب، درس آزاد داریم، درسی که معلم متن آن را انتخاب می‌کند.

آموزش و پرورش در گروه‌های آموزشی می‌تواند هماهنگی‌هایی داشته باشد که یکی از این درس‌های آزاد در کنار داستان‌های فاخر شاهنامه، گزینش ابیات فاخر شاهنامه باشد. با این کارها می‌توانیم بذر علاقه به این کتاب را در ذهن و ضمیر دانش‌آموزان بکاریم.

بحث هویت هم یکی از مباحث مهمی است که شاهنامه فردوسی می‌تواند به تقویت آن کمک کند. آیا شما مشکل هویت را در دانش‌آموزان می‌بینید و شاهنامه چطور می‌تواند یاریگر باشد؟

هویت زمانی معنا دارد که بدانیم به لحاظ شهروند ایرانی، عقبه‌ای در تاریخ این سرزمین داریم. این عقبه در بین ما ایجاد حس مشترک فرهنگی می‌کند. ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که از نظر قومی و مذهبی متنوع است، سرزمینی که علیا و سُفلی در همه روستاهایش وجود دارد؛ حتی در یک منطقه ممکن است ده‌ها فرقه و نحله و گروه زندگی کنند.

شاهنامه و متونی از این دست، انسان‌ها را به یک گذشته مشترک وصل می‌کند. پس هنگامی که از هویت حرف می‌زنیم، یک خاستگاه آن، رسیدن به گذشته مشترکی است که همه بر مبنای عظمتش اتفاق نظر دارند؛ چنان که کرد و لر و ترک، بلوچ و فارس و سفلی و علیای هر منطقه، شاهنامه را اثر فاخری می‌دانند که شخصیت‌های آن هم سو و هم‌گام با ذهن و ضمیر ایرانی حرکت کرده است.

با خواندن شاهنامه از دو مسیر می‌توانیم به مقوله هویت برسیم؛ یکی جایگاه خردورزی در شاهنامه است. در شاهنامه قهرمانانی هستند که رفتاری پسندیده و درخور تأیید برای گذشته و اکنون دارند. برقرار کردن پیوندی ذهنی با این قهرمانان خردورز یکی از مسیرهایی است که ما را به هویتمان می‌رساند.

دوم سویه عاطفی شاهنامه فردوسی است. اینکه نام برخی از کودکان از شخصیت‌های شاهنامه انتخاب شده است می‌تواند احساسی مشترک میان کودک امروز و شاهنامه برقرار کند و در هویت بخشی به او مؤثر باشد.

همچنین رسیدن به اشتراکات درباره قهرمانانی که ادبیات عرفانی و عاشقانه و حماسی و تعلیمی درباره آن‌ها اتفاق نظر دارند، در ایجاد هویت اهمیت دارد. چنان که مولوی می‌گوید:

زین همرهان سست عناصر دلم گرفت / شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

این بیت نشان می‌دهد که از مولویِ عارف تا انسان‌های عادی، رستم، قهرمان شاهنامه را به عنوان یک نقطه اشتراک می‌شناسند. توجه به این موارد سبب می‌شود که بتوانیم هویت فرهنگی‌مان را تعریف کنیم و از آن گسستگی فرهنگی؛ یعنی بیگانگی مردم سرزمینمان با یکدیگر، پیشگیری کنیم.

۲۲ سال تجربه معلمی دارید. با نسل‌های مختلف دانش‌آموزان از نزدیک ارتباط داشته‌اید. در مسئله هویت، دانش‌آموز امروز با دانش‌آموز بیست سال پیش چه تفاوت‌هایی دارد؟



امیر الهامی: پشتوانه هویت، سواد فرهنگی دانش‌آموزان است؛ بنابراین تنها با شعار ایجاد هویت، نمی‌توان هویت را ایجاد کرد. امروز با نسلی مواجهیم که کاملا خردگرا و آشنا با جلوه‌های مختلف علم است. در بیست سال پیش دانش‌آموزان از خیلی چیزها آگاهی نداشتند و در پی یادگیری آن هم نبودند. در دو سه دهه اخیر، با انفجار اطلاعات روبه‌رو بوده‌ایم. امروز در جهانی سرشار از اطلاعات زندگی می‌کنیم. در چنین جهانی، معلم باید جلوه‌های مورد نظر خود را به شیواترین و زیباترین صورت به دانش‌آموزان ارائه کند. اگر دانش‌آموزان امروز نسبت به مقوله هویت فرهنگی و ملی خود بیگانه‌اند، بخشی از آن به این دلیل است که گستره و تنوع محصولات در همه زوایای زندگی زیاد شده است.

مثلا در یک مجموعه غذایی، برندهای زیادی وجود دارد و اگر کسی بخواهد در این مجموعه فعالیت کند، باید بهترین بسته‌بندی و بهترین طبخ را داشته باشد. در جهان امروز که داده‌های فرهنگی گوناگون است، اگر بخواهیم ایجاد هویت کنیم و معتقدیم که داده‌های هویت‌محور هم داریم، باید به بهترین شیوه آن را در اختیار جوانان قرار دهیم. اگر در نوع ارائه محصولات فرهنگی هویت‌محور دقت و خلاقیت لازم را نداشته باشیم، تأثیر کافی نخواهیم گذاشت.

امروز اگر برخی از کودکان و نوجوانان از هویت و جلوه‌های ملی فاصله دارند، بخشی به این دلیل است که این حجم از اتفاقات خوب هویت‌محور و فرهنگی را به شیوه‌ای که متناسب با نیاز امروز هست، در اختیار آن‌ها قرار نداده‌ایم. باید بپذیریم که اگر به عنوان معلم ادبیات از مسیر مورد علاقه و نیاز دانش‌آموزان به بحث هویت بخشی وارد نشویم، آن‌ها را از هدف اصلی دور و دل‌زده می‌کنیم.

به عنوان مثال، اگر معلم ادبیات اصرار بورزد که مثلا به جای «پسر» بگویید «پُسر»، چون فردوسی در شاهنامه گفته است «پُسر»، بهره‌ای جز خنده دانش‌آموزان نصیب او نخواهد شد. دغدغه یک معلم باید چیزی فراتر از این تبارشناسی واژگانی باشد. او باید بتواند دانش‌آموزان را با زوایای اخلاقی و حِکمی شاهنامه آشنا کند.

باید به آن‌ها جوانمردی و فتوت و اندیشه قهرمانان شاهنامه را بیاموزد. تلفظ واژگان، هویت فرهنگی آن‌ها را تقویت نخواهد کرد. آن‌ها باید با رفتار پهلوانان و قهرمانان شاهنامه آشنا شوند. مثلا سیاوش نماد پاکی است، در عین اینکه از آتش می‌گذرد، به پدرش نیز احترام می‌گذارد. این موارد با داده‌های اسلامی هم پیوند دارد و ارزش‌های انسانی و اخلاقی را به خوبی به دانش‌آموزان می‌نمایاند. بنابراین برای تقویت هویت فرهنگی باید بهترین و مناسب‌ترین راه‌ها را انتخاب کنیم.

آیا به نظر شما همین مقداری که الان در کتاب‌های درسی از شاهنامه آمده، متناسب و به اندازه است؟

ما الان در کتاب‌های درسی در سال‌های دهم، یازدهم و دوازدهم مباحث خوبی از شاهنامه داریم. دانش‌آموزان در سال دهم، داستان گُردآفرید، در سال یازدهم، داستان اشکبوس و در سال دوازدهم داستان سیاوش را می‌خوانند. به نظرم به لحاظ کمی، بیشتر از این هم نباید افراط کرد. من به کتاب‌های درسی بسیار انتقاد دارم؛ اما معتقدم که در کتاب‌های درسی به شاهنامه توجه شده است.

سوای از مدرسه و کتاب‌های درسی، چه منابع و کتاب‌هایی را معرفی می‌کنید برای کسانی که می‌خواهند در خانه به فرزندانشان شاهنامه بیاموزند؟

ما پایان‌نامه‌های زیادی در مقطع دکترا و کارشناسی ارشد درباره ادبیات کودکان و شاهنامه داریم. علاوه بر این، آثار داستانی بسیاری منتشر شده است که با حفظ امانت، شاهنامه را برای کودکان بازنویسی کرده‌اند. آثاری که دکتر دبیرسیاقی درباره شاهنامه دارند و اصل متن را با معنی مناسب آن آورده‌اند، بسیار ارزشمند است.

همچنین خانم مهری بهفر، خط به خط شاهنامه را به نثر روان برگردانده‌اند که می‌تواند مناسب باشد. برخی گزیده‌های مناسب از شاهنامه هم به چاپ رسیده است که خانواده‌ها می‌توانند آن‌ها را برای کودکان تهیه کنند.

ذکر این نکته هم ضروری است که هم داستان شاهنامه و هم لفظ و کلام فردوسی باید برای بچه‌ها خوانده شود. یعنی حتی ممکن است کودک و نوجوان، بخشی از این لفظ را متوجه نشود، اما خوانش متن شاهنامه باید درست و واضح باشد.

درست خواندن، داد زدن نیست. محکم خواندن با داد زدن فرق می‌کند. در این مورد، چندین نرم‌افزار صوتی هم تولید شده است که شاهنامه را خوب و درست خوانده‌اند و خانواده‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند.